

قرآن کریم، بیداری و

بین الملل اسلامی در

عصر اخیر

دکتر ابوالفضل فوش مناش
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی اراک

مقدمه

داستان تعلیم و ترویج قرآن کریم، داستانی دراز دامن با ابعاد و زوایای گوناگون است. داستانی که باید با دقت بسیار و دیدی کارشناسانه مورد موشکافی کارشناسان تعلیم و تربیت و روان شناسی و تاریخ قرار گیرد. هشدار و بیدارباشی که لازم است از آن برگرفته شود، بشود و ره آوردی که قرآن کریم برای بشریت به نحو عام و برای امت اسلامی به نحو خاص، آورده و تواند آورد، مورد دقت هر چه بیشتر قرار گیرد. این نوشتار سر آن دارد از یک سو برخی تلاش های استعمار و دشمنان قرآن کریم را برابر امت اسلامی و حتی با بهره گیری و سوء استفاده از قرآن کریم نشان دهد و در مقابل، داستان بیداری اسلامی و بین الملل اسلامی را با بهره گیری از همین کتاب مقدس، به صورتی مختصر و فشرده و در حدی که توانسته و نه آنی که می خواسته بازگو کند. بازگویی پاسخی که به اعمال استعمار در این سرزمین ها اندیشیده شد و نقش مصلحان و مبارزان اسلامی در این بین و نیز در بیداری و بین الملل اسلامی که متعاقب آن پدید آمد، در زمان و مکانی که سخت به آن بیش از هر زمان دیگر محتاجیم.

شراره های رویارویی جدید

جنگ های صلیبی، پس از گذر چندین قرن، پایان گرفت. سرزمین ها و حکومت های اسلامی هر یک برای مدتی پی کار خود گرفتند. استعمار بریتانیا، پس از انقلاب صنعتی و نیاز به مواد اولیه و نیز بازار عرضه کالاها، به دلایلی مفصل، رو به سوی شبه قاره هند آورد و پایه های سیطره خود را بر آن مناطق محکم نمود. اما پیش از آن که استعمار به آن سرزمین ها برسد و به عبارت دیگر بر سر راه شبه قاره، سرزمین هایی دیگر وجود داشتند که هم راه دسترسی به شبه قاره بودند و هم سپر بلای آن در ایام مبادا می توانستند بود. آن سرزمین ها سرزمین های وسیع اسلامی بودند در منطقه ای که خود آن ها نام شرق وسط و خاورمیانه بر رویش نهادند. بریتانیا با داشتن هزاران مأمور پیدا و پنهان در سراسر جهان، به مطالعه ای پی گیر جهت شناسایی نقاط ضعف و راه های نفوذ در این سرزمین های وسیع و ثروتمند پرداخت. شبه قاره هند، خود اسیر برخی کشمکش های قومی و فرقه ای بود، کافی بود بریتانیا خاموشی آن آتش را نگذارد و خود نیز هر از گاهی به انواع وسائط، آب بر آن آتش بریزد که ریخت. به علاوه، در سرزمینی با آیین تقدیس گاو و موش و میمون و اعضای تناسلی و مانند آن، خطری جهانگیر، دامنگیر انگلیس و منافع آن نمی توانست شدن. خطر، در همین سرزمین های وسیع بود که راه و رود بودند و هم سپر بلا و هم خود، سرشار از منافع و هم هدف چشمداشت رقیب دیرین انگلیس و در رأس آن ها فرانسه و نیز رقیبانی که دیر یا زود از راه می رسیدند.

سرزمین هایی با آیین و دعوتی جهانی، دارای اعتقاداتی بس خطرناک برای بریتانیا همانند جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلمه سرزمین مسلح به قرآن.

شبیخون بیرحمانه استعمارگران برستاد تعلیم و ترویج قرآن کریم

اهمیت تعلیم قرآن کریم و جایگاه بنیادین آن در اندیشه، فرهنگ و حیات جامعه اسلامی، توجه استعمارگران را نیز به سوی خود جلب کرد. استعمار و از آن جمله استعمار انگلیس، نیک دریافت که در صورت نزدیک شدن به ستاد تعلیم و ترویج قرآن و قرارگرفتن در جریان عملی آن و در صورت امکان با دخالت و دستکاری برنامه ریزی شده، نتایجی مطلوب در انتظارش خواهد بود. از این رو به تربیت و اعزام جاسوسانی کار کشته جهت

بررسی این موضوع و اجرای نقشه‌های بعدی اقدام کرد. مستر همفر یکی از این افراد است که در سال ۱۷۱۰ میلادی از سوی وزارت مستعمرات انگلستان مأمور به جاسوسی در کشورهای مصر، عراق، ایران، حجاز و اسلامبول، مرکز خلافت عثمانی و حکومت اسلامی آن زمان می‌شود. مأموریت وی و نه نفر دیگر از بهترین و ورزیده‌ترین مأموران وزارت مستعمرات انگلستان، جمع‌آوری اطلاعات کافی جهت جستن راه‌های درهم شکستن کامل مسلمانان و فراهم آوردن موجبات تسلط استعماری انگلیس و تحکیم مواضع آن دولت در نقاط استعمار شده بوده است.

وی سالها در اسلامبول و سپس بصره، نزد شیوخ مسلمان در کسوت مسلمانی به فراگیری زبان‌های ترکی، عربی و سپس فارسی و نیز فراگیری قرآن، تفسیر و تجوید پرداخته و کتابی را حاوی خاطرات و مأموریت‌های خود به رشته تحریر درآورده که حاوی نکاتی تکان‌دهنده و عبرت‌آموز است.^۱

وی در بصره در کنار فتنه‌انگیزی‌های دیگر و به منظور سرپوش گذاشتن بر آنها، روی به شغل نجاری می‌آورد. او می‌گوید: در ایامی که در نجاری کار می‌کردم با جوانی آشنا شدم که لباس عالمان دین به تن داشت و نامش محمدبن عبدالوهاب بود. جوانی بود جاه طلب، بلند پرواز و بی‌نهایت عصبی مزاج. او شخصاً مطالعاتی در قرآن و حدیث داشت و برای اثبات نظریات خود به اقوال و آرای مشایخ و علمای اسلام اشاره می‌کرد و استناد می‌جست.

پس از مدتی آشنایی و مراوده با محمدبن عبدالوهاب، به این نتیجه رسیدم که فرد شایسته برای اجرای مقاصد بریتانیا در منطقه شخص او تواند بود. روح بلند پروازی، غرور، جاه طلبی و دشمنی با علما و مراجع اسلام، خود کامگی تا آن مرحله که حتی خلفای راشدین را هم مورد انتقاد قرار می‌داد. برداشت او از قرآن و حدیث که تفاوت آشکار با واقعیت داشت، بزرگترین نقطه ضعف او بود که می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. با او قرار گذاشتم که در تفسیر قرآن بر پایه اندیشه‌های جدید، نه بر مبنای آراء صحابه و پیشوایان دین و علماء و مفسران، گفتگویی داشته باشیم. ما قرآن را می‌خواندیم و در اطراف آیه بحث می‌کردیم. نقشه من این بود: به هر ترتیبی که شده، او را در دام وزارت مستعمرات انگلیس بیندازم.

یکی از جالب‌ترین قسمت‌های این داستان، «مباحثه قرآنی» این انگلیسی با «محمد بن عبدالوهاب» است که آثار آن بعدها آشکار می‌شود، و هم‌فرد در ادامه سخن خود، راه‌هایی را که او و چند تن از همدستانش در تراشیدن یک «محمد بن عبدالوهاب» منطبق با خواسته‌ها و سیاست‌های دولت انگلیس پیموده‌اند، نشان می‌دهد. از جمله مسائلی که پس از مباحثات فوق و برداشت‌هایی که آنها پیوسته به خورد وی می‌داده‌اند، این بوده که وی صاحب رسالتی والا جهت نجات مسلمین و اصلاح وضع ایشان است و از این رو لازم است «خروج» کند و «دعوت» خود را علنی سازد. دولت انگلیس همچنین ضمن پرداخت پول و واگذاری اسلحه کافی به «شیخ محمد» در صورت لزوم موافقت می‌کند که مرکز اولیه فرمانروایی او، ناحیه کوچکی در نزدیکی نجد واقع در جزیره العرب قرار داده شود.

در اواسط سال ۱۱۴۳ ق. محمد بن عبدالوهاب، در حال قطعی نمودن تصمیم خود برای اعلام دعوت آیین تازه در جزیره العرب بود و دوستانی را که با او هم عقیده بودند و وعده همکاری داده بودند، فرا می‌خواند.

پس از چندین سال که دعوت محمد بن عبدالوهاب و انتشار مذهب او مطابق برنامه تعیین شده، قرین موفقیت‌هایی گردید، وزارت مستعمرات تصمیم می‌گیرد از نظر سیاسی هم در جزیره العرب دست به کار شود. این بود که یکی از عمال خود به نام محمد بن سعود را به همکاری با محمد بن عبدالوهاب مأمور می‌کند و برای این منظور، محرمانه، نماینده‌ای نزد محمد بن عبدالوهاب می‌فرستد تا هدف بریتانیای کبیر را برای او روشن سازد و بر لزوم همکاری و اشتراک آن دو تأکید کند. از این قرار که حل و فصل امور دینی به طور کلی با محمد بن عبدالوهاب باشد و مسئولیت سیاسی با محمد بن سعود قرارداد می‌شود.

مستر هم‌فرد در کتاب خود چندین بار تصریح می‌کند که پیش‌بینی وزارت مستعمرات بریتانیا، در اوایل قرن هیجدهم میلادی این بوده که امپراطوری عثمانی تا کمتر از یک قرن دیگر سقوط خواهد کرد. او می‌افزاید: پس از چندین سال انجام مأموریت، و جلب توجه وزیر و معاون وزارت مستعمرات بریتانیا به من، دو کتاب قطور در اختیارم گذاشتند که حاوی آمار و ارقام، ارزیابی‌ها، بحث‌ها و استنتاج‌هایی دقیق و گزارشی قوی بود که

اساس برنامه ریزی ها و خطوط اجرایی دولت بریتانیا در موضوعات و مسائل نظامی ، مالی ، فرهنگی و مذهبی بود . همفر می افزاید : این موارد در حقیقت بهترین و عملی ترین برنامه هایی بود که من و همکارانم وظیفه داشتیم در ممالک اسلامی انجام دهیم . همچنین معاون وزارت مستعمرات پس از آگاهی من از رئوس برنامه های فوق محرمانه فوق ، به من گفت : «به تو مژده می دهم که ظرف یک قرن ما به آرزوهای خود خواهیم رسید و اگر نسل امروز انگلیس ، شاهد پیروزی های آینده نباشند ، فرزندانمان روزهای خوش آینده را خواهند دید و چه نیکوست آن ضرب المثل ایرانی که می گوید : «دیگران کاشتند و ما خوردیم ؛ ما بکاریم و دیگران بخورند!» هرگاه بریتانیای کبیر ، توفیق درهم شکستن اسلام و تسلط بر منطقه را پیدا کند ، جهان مسیحیت از رنج هایی که در این دوازده قرن تحمل کرده ، بکلی رهایی خواهد یافت چرا که مسلمین در این مدت انواع هجوم ها و جنگ ها را بر ما تحمیل کرده اند . جنگ های صلیبی هیچ سودی برای مسیحیت نداشت ، همانگونه که یورش مغول ، نخست با غارت و ویرانی سرزمین های اسلام همراه بود ولی چون بی مطالعه و هدف هجوم صورت گرفته بود نتوانست اسلام را نابود کند .^۲ اما پیکار ما با اسلام ، مانند مغول تنها با اقدام های نظامی و قتل و غارت نیست و شتابی در این کار نداریم . حکومت بریتانیای کبیر با مطالعه کامل در راه نابودی و انهدام اسلام گام بر خواهد داشت و برنامه هایی منظم و دقیق را با شکیبایی دنبال خواهد کرد و عاقبت به هدف نهایی خواهد رسید .^۳

عطف توجه مستر همفر و وزارت اطلاعات کشور متبوعش به موضوع قرآن کریم و مراکز آموزش اسلامی محدود به آنچه گذشته نمی شود . او در سراسر کتاب خود ، ۹۹ بند از برنامه های دولت بریتانیا را - که به گفته خود او تنها بخشی از برنامه و نقشه های گسترده دولت جهت نیل به مقاصد استعماری است - مورد اشاره قرار می دهد که سه بند از آن ها را با توجه به موضوع این بخش و ارتباط با بحث تعلیم و ترویج قرآن کریم در اقطار اسلامی و نیز در عرصه بین الملل می آوریم :

- سنت های نیک اسلام ، مانند بنای مساجد ، مدارس ، پرورشگاه ها و تأسیس بنیادهای نیکوکاری همه باید از میان برود و یا لا اقل محدود گردد . این گونه امور (از نظر انگلستان) از وظایف دولت هاست نه علمای دین . هرگاه دولت ها به این گونه کارها

پردازند. ارزش دینی آن از میان خواهد رفت.

- ضرورت دارد در صحت و اصالت قرآن‌هایی که در اختیار مسلمین است تردید شود و با توزیع و انتشار قرآن‌هایی که چیزی کم یا زیاد از قرآن موجود داشته باشند، بر شک و تردید مردم نسبت به اصالت قرآن بیافزاییم. به ویژه، توجه داشته باشیم که باید آیات اهانت آمیز نسبت به نصاری، یهود و کفار و نیز آیات امر به معروف و جهاد را از قرآن به کلی ساقط کرد و نسخه‌هایی از این کتاب را به زبان‌های ترکی، فارسی و هندی ترجمه و منتشر کرد. باید حکومت‌های مسلمان غیر عرب را بر انگیخت تا از قرائت قرآن، اذان و نماز به زبان عربی در قلمرو خود جلوگیری کنند. موضوع دیگر، لزوم تردید در احادیث و روایات است. از طرفی باید در احادیث هم مانند قرآن تحریف و ترجمه صورت گیرد.^۴

- ضرورت دارد از توسعه زبان و فرهنگ عربی در کشورهای مسلمانان غیر عرب و تبلیغ و انتشار زبان و فرهنگ ملی در این سرزمین‌ها مانند زبان سانسکریت، زبان‌های ایرانی، کردی، پشتو و اردو جلوگیری گردد. باید اهتمام کرد تا لهجه‌های محلی رایج در قبایل و عشایر عرب زبان گسترش یابد و جای زبان فصیح عربی را بگیرند تا به این وسیله، پیوند اعراب با زبان و فرهنگ قرآن و سنت منقطع گردد.^۵

قرآن کریم، بیداری و بین الملل اسلامی

به عقیده نگارنده، در باب اثر و حرکت آفرینی قرآن کریم در صحرای عربستان و دیگر مناطق جهان در قرن هفتم میلادی، سخن فراوان گفته شده و همچنان نیز باید ابعاد آن اثر آفرینی با زبان و تحلیل‌های علمی تبیین شود و در باب آن ناگفته‌ها، بسیار فراوان اند، اما آن چه کمتر تحلیل شده، ابعاد و چگونگی خیزش دو قرن اخیر پس از خمودگی و خمیدگی جوامع اسلامی با اتکا به قرآن کریم است.

بنیانگذار نخست، شخصیت و دیدگاه‌های او

بنیانگذار این روش و پیشوای مصلحان و داعیان این خیزش، سید جمال الدین حسینی اسدآبادی (۱۳۱۴-۱۲۵۴ق-۱۸۹۸-۱۸۳۸م) است که سرمایه اصلی او قرآنی بود که در قلب خود داشت.^۶

درس قرآن از اولین آموخته‌های سید جمال از زمان خردسالی یعنی پنج سالگی و تعمق در آن از عادات نخستین او و تفسیر نیز از جمله علمی بوده که وی با آن‌ها آشنایی عمیق داشته است. او قرآن کریم و پس از آن مقدمات عربی را به خوبی خواند. او در همان سنین خردسالی با «معلم اول» بر سر برخی آیات و سور قرآنی به بحث و جدال می‌نشیند. در باب سوره «الم نشرح» به اصرار از پدر می‌پرسد: چیست این منت که خدا بر پیامبرش می‌نهد و چیست آن باری که پشت پیامبر را خم کرده و شکستن می‌خواسته است؟ او به آن چه پدر بر سبیل تکرار معهود و به نقل از تفاسیر موجود می‌گوید رضایت نمی‌دهد؛ حتی تهدید می‌کند: اگر آن چه را می‌شنوم به قاعده و دلیل نیابم و فهم نکنم، درس را به سویی خواهم نهاد. او چندین روز نیز این سخن خود را عملی می‌کند تا آن که زمانی که با اطفال کوی در حال بازی بوده، ناگاه بازی را ترک می‌کند و با شتاب به خانه می‌آید تا بگوید داستان شرح صدر و سرّ معنی سوره را فهم کرده، آن گونه که دل‌اش را رضایت و قرار می‌بخشد. پدر مات و مبهوت تمامی سخنان وی و موشکافی او را در این باب می‌شنود، بوسه بر گونه او می‌دهد و پیشانی شکر بر زمین می‌نهد. داستان سینه‌ای گشاده برای برداشتن باری بزرگ و کمرشکن و آمیخته با آن ذکر رفیع و داستان عسر همراه یسر، خیال او را از همان سنین کودکی اندیشه او را در بند خود گرفت. ^۷ و از این گونه وقایع در سنین کودکی از وی فراوان مشاهده گردید. اما آن بازی‌ها که او با کودکان کوی داشته نه از نوع بازی‌های دیگر کودکان جهت گذران وقت یا خالی کردن نیروی صرف، بلکه بازی‌هایی دارای ماهیت و هویتی به کلی متفاوت بود و متناسب با همان داستان بار سنگین و ذکر رفیع و عسر همراه یسر: بر اسب چوبی سوار شده، با پدر و مادر و خواهران خود وداع می‌کرده که باید به هند و مصر و روم و افغان و جز آن برود. آنان نیز به زبان کودکانه با این کودک هفت-هشت ساله دم‌ساز و هم‌آواز می‌شده، زادره اش می‌داده، بدرقه اش می‌کرده‌اند. او اولین سفر خود را همراه پدر در ده سالگی به سوی قزوین آغاز کرد تا در آن جا آموختن را بیاغازد. وی در قزوین چهار سال ماند و از آن جا به سوی شهرهای دیگر جهت استمرار آموختن، به هر دو معنی، رفت. ^۸

سید جمال یکی از بزرگان و دانشمندان اسلامی است. او را متفکر و فیلسوفی بزرگ و صاحب عمق فلسفی و استحکام نظری چشمگیر ^۹ و پس از ابونصر فارابی بزرگترین

فیلسوف سیاسی اسلام شمرده اند با این تفاوت که فلسفه اجتماعی و سیاسی او از وحی قرآنی و سنت اسلامی کاملاً سیراب است و او به علاوه با فلسفه غرب و فلسفه جدید و نیز برخی علوم دیگر همانند ریاضیات جدید آشناست.^{۱۰} در علوم نقلی و عقلی اطلاعاتی وسیع داشت، در فلسفه اسلام و فلسفه تاریخ تمدن اسلام و اوضاع و احوال اسلام و مسلمانان متبحر بود. با زبان‌های افغانی، هندی، فارسی، ترکی همدانی و ترکی اسلامبولی آشنا بود. عربی را خوب می‌دانست و می‌نوشت. زیاد مطالعه می‌کرد و تقریباً هیچ کتابی در ادبیات ملل و فلسفه اخلاق امم نبود که او مطالعه نکرده باشد.^{۱۱} در کنار این وصف‌هایی که برای او شمرده‌اند این سخن استاد محیط طباطبایی در باره وی قابل توجه است که:

سید در فلسفه مشاء به میرزا ابوالحسن جلوه نمی‌رسید، در حکمت اشراق نیز به حکیم قمشه ای نمی‌رسید و در معرفت به مبانی حقوق و قوانین اروپا، توسعه نظر و اطلاع میرزا ملکم خان را نداشت و در ریاضیات قدیم به میرزا محمد علی قاضی یا میرزا عبدالغفار اصفهانی نمی‌رسید. زبان فرانسه را میرزا محمد حسن خان اعتماد السلطنه از او نیکوتر می‌توانست نوشت و میرزا محمد حسین فروغی در نثر و شعر فارسی از او استادتر بود، چنانکه عربی را شیخ محمد عبده مصری و ادیب اسحاق لبنانی بهتر از او می‌نوشتند! اما در وجود او سری مکتوم بود که من حیث المجموع در وجود کلیه افراد نامبرده یافت نمی‌شد.

او اضافه می‌کند:

من از میان همه چهره‌های درخشان در تاریخ ایران به خصوص کسانی که در راه استقرار حکومت ملی و سقوط استبداد، مصدر خدمات ارزنده بوده‌اند، چهره مظلوم سید جمال را برگزیده‌ام؛ زیرا عکس چهره او را در قانون اساسی و مطبوعات و فرهنگ جدید و همه تشکلات اساسی حکومت مشروطه وطن خود می‌نگرم و عقیده دارم خدمتی که او به ایران کرد از نظر ارزش بالاتر از خدمتی بود که نادر و اردشیر و یعقوب لیث و شاه اسماعیل به تاریخ ایران کردند و در ردیف خدمت هوشنتره مادی و آرشاک پرنوی محسوب می‌شود.^{۱۲}

در میان این همه، مهمترین ویژگی سید جمال، قرآنی بودن و سپس عامل بودن او به

علمی بود که می دانست. وگرنه تاریخ فیلسوف فراوان دیده است، اما از فیلسوف قرآنی در بدر که هستی و نیستی خود را نیز پشتوانه کلماتش کرده باشد، کمتر سراغ می دهد.

او سال ها دانشیان نامدار روزگار خود در بلاد مختلف دیده و با مشرب آنان نیک آشنا بود. هنگام آشنایی و تماس با هر عالم و نیز با هر داعیه دار و یا قوم و جمعیتی در پی این بود که بداند سرنوشت امت اسلامی بلکه بشریت برای آنان، به چه مایه و مقدار، ارج و ارزش دارد. وی بزرگترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی می دانست و تمام عمر خود را صرف درمان این درد کرد. او فعالیت سیاسی را برای مسلمانان واجب می دانست و پس از ورود به مصر، برای طلاب^{۱۳}، بزرگان و مجاوران دانشگاه الازهر، دروس مختلف را در قالبی جدید و جذاب، همراه نقد و داوری عالمانه خود تدریس نمود.^{۱۴} جغرافیای طبیعی و سیاسی جهان و به ویژه جهان اسلام را به خوبی می دانست. هنگام تدریس و سخن گفتن، در موقع نیاز از نقشه و کره جغرافیایی کمک می گرفت. سید جمال هنگام ورود به اسلامبول، کار خود را به عنوان یک عالم با تدریس در مدرسه ای دینی آغاز کرد و به تدریج طالع نامش بلندی و درخشش یافت. در طول بیش از سی سال حرکت و جهاد از سرزمینی به سرزمینی دیگر نمی توانست در آمدی ثابت داشته باشد، اما آن چه به وی می رسید، مبالغ کمی نبودند؛ آن ها را خرج می کرد و بیشتر آن را می بخشید^{۱۵} و برای خودش چیزی نمی اندوخت. هنگام اقامت در تهران، ناصرالدین شاه قاجار وی را ده هزار تومان همراه انگشتی الماس فرستاد. وی پول را رد کرد و انگشتی را نگاه داشت، آن هم به اصرار میزبان، و پس از اندک زمانی آن را هم به کسی بخشید. هنگام بازگشت از مصر، کنسول ایران در کنار سوئز وی را مبلغی قابل توجه پول پیشکش نمود، پول را نپذیرفت، گفت: شما بیش از من به این پول نیازمندید، من شیرم و شیر هر جا رود بی شکار نمی ماند. با آن که نکاح را سنت رسول گرامی اسلام (ص) و عامل بقای بشر می دانست و با آن که سلطان عثمانی و دیگران به وی پیشنهاد تزویج شایسته ترین دختران سرای خلافت یا غیر آن و نیز تأمین معاش و مسکن وی را نمودند، برای آن که بتواند سیر و حرکت شورآفرین خود را در اقطار اسلامی به آسانی انجام دهد، در تمام عمر زنی برای خود نگرفت. بدنی داشت چهارشانه و نیرومند، با این حال در طول روز یک بار غذا می خورد. و لباس نیز دو دست داشت و گاه خاطری ناآسوده از این که

در داشتن لباس افراط کرده است .

درافکندن قالبی جدید در رویکرد به قرآن

او بین میزان تمسک امت به قرآن و سعادت آن، رابطه مستقیم قائل است و تأکید می‌کند که به دلیل حضور قرآن میان مسلمانان نیازی به گرفتار شدن در فریب تشکلات غیراسلامی نیست .^{۱۶} عقیده او نیز بر این بود که هر مسلمانی بیمار است و درمان درد او در قرآن است، و اوست که باید به سراغ این شفاخانه بیاید .^{۱۷}

سید جمال، با وجود تضرع علمی و آشنایی و احاطه به انواع علوم معقول و منقول رایج در حوزه‌های علمی اسلامی به این نتیجه رسید که آن چه در صرفاً و رسماً در حوزه‌های آن زمان با عنوان تفسیر قرآن کریم عرضه می‌شود، توان پاسخ‌گویی به نیازها و چالش‌های جدید زمان و نیز محافظت از عزت و هویت امت، به ویژه برابر هیولای استعمار را ندارد و اعلام می‌نمود انبوه تفاسیری که محدثان و فقها و متکلمان و فلاسفه و ادبا و متصوفه (و حتی در میان آن‌ها زنادقه) بر قرآن کریم نوشتند، داد سخن را ندادند و گره از کار فرو بسته امت نگشودند . او هماره تکرار می‌کرد کتابخانه آرامگاه علوم است و علم زنده، بلکه قرآن واقعی و زنده، تنها آن چیزی است که در دل مردم زنده دل و عامل به آن قرار دارد . او بر همین اساس معتقد بود که قرآن مجید همچنان تازه و بکر مانده و هیچکس آن را تفسیر ننموده است؛ به این معنی که مفسران در طول تاریخ، قرآن را از لحاظ صرف و نحو و فصاحت و بلاغت و احکام فقهی معنی نموده اند ولی حیات واقعی روح را از آن استخراج نکرده، فلسفه عقلی، سیاست اسلامی، قواعد اجتماعی و اصول عمرانی به طور کلی وسایل خوشبختی دوجاهانی را از آن بیان نداشته اند .^{۱۸} برداشت‌های اجتماعی سید جمال از قرآن کریم و داشتن دیدی از این نوع به آیات قرآن در بسیاری از سخنان، استشادات، نوشته‌ها و نامه‌های وی^{۱۹} که یکی از آن‌ها خطاب به گروه علما و نیز دارای عناوینی چون حَمَلَةُ الْقُرْآنِ و ای قرآنیان است، دیده می‌شود . این ویژگی، تأثیر خود را بر مخاطبان مستعد به جای نهاد . بسیاری از علما و دیگر طبقات مصری پیرامون او را گرفتند و او با بیانی ویژه و بسیار قوی بر همه گروه‌ها تأثیر نهاد و افکار بلند و تازه خود را به گوش آنان رسانید .

نگرش‌های او به عنوان یک پیشوای مصلح، الهام بخش مصلحان بیدارگر پس از او

از جمله بزرگترین شاگرد او محمد عبده گردید. او نیز به تأثر از آراء سید جمال به نقد و بیان نارسایی روش پیشین تفسیر پرداخت و فرورفتن در بسیاری مباحث مندرج در تفاسیر را یک نارسایی در این باب شمرد. او همچنین قرآن را دارای یکپارچگی و نیز عموم و شمول و جریان دائمی می دانست که می بایست با هر زمان و مکانی ربط و پیوند داشته باشد و مشغول شدن به داستان هایی همانند اسباب نزول آیات و سوره، از کارهای تعجب آور و منتهی به پراکنده بینی آیات قرآن است. بنا بر عقیده رشید رضا، شاگرد محمد عبده و صاحب تفسیر المنار، از بخت بد مسلمانان، اکثر آن چه در کتب تفسیر آمده نظیر مباحث اعراب و قواعد و جدلیات و استخراجات و استنباطات اصولیان و نیز تأویلات متصوفه و تعصب فرق و مذاهب و روایات آمیخته با خرافات اسرائیلی، خواننده را از آن چه هدف نزول قرآن است باز می دارد.^{۲۰} به عقیده او همچنین، علت عمده انحطاط مسلمانان، شیوه تفسیر دین از طرف مذاهب چهارگانه و خلاصه شدن رغبت آن ها تنها به زندگی اخروی که عبارت از همان علم فقه است می باشد^{۲۱} که علاوه بر نارسایی، از سوی فقها به آن ها چیزهایی افزوده شده که ارتباطی با اسلام صحیح ندارد و باعث ایجاد شکاف در پیکر آن شده است.^{۲۲} از جمله کسانی که از رشید رضا الهام گرفتند، شهید حسن البنا، بنیانگذار حرکت اخوان المسلمین و بسیج کننده شمار زیادی از جوانان و مردم مصر با شعار بازگشت به قرآن کریم و سنت صحیح و پیراسته بود. او خود، یک معلم دین و عقیده بود و بی اطلاعی مردم از اصول اسلامی او را رنج می داد. قرآن کریم از اولین آموزه های او در زندگی از اوان خردسالی بود و مؤانست و ممارست با این کتاب و حفظ آیات آن، سال ها وی را مشغول داشت؛^{۲۳} وی دارای شخصیتی توانمند در گرد هم آوردن مردم و آگاه سازی و سازماندهی آنان بود. از چهره های بارز جنبش اخوان المسلمین، همچنین شهید سید قطب بود. او نیز بر این نکته تأکید می کرد که روی آوردن به قرآن کریم در خواندن آن به قصد ثواب، خلاصه نمی شود و عبادت تنها عبارت از نماز و روزه نیست، بلکه حیطة و حوزه شمولی آن از تزکیه جان و تطهیر قلوب تا لزوم ایستادگی برابر اشغالگر و ادای کامل حقوق کارگران و زحمتکشان و نیز روابط خانواده ها را در برمی گیرد.^{۲۴} از سوی دیگر تنها ادراک و اندکی توجه به مفاهیم قرآنی، روحیه و توان رهبری و نیز خروج از انزوا و گوشه گیری و توان مشارکت در سرنوشت را به آحاد امت اسلامی اعطا خواهد کرد.^{۲۵}

داده بود؛ گاه چهار ساعت مدام در اتاقی به سخن وی استماع می کردند و هیچ ملالی زاییده نمی شد. در سخن گفتن حتی رو در روی حکام مستبد زمان خود همانند ناصرالدین قجر بسیار صریح اللهجه و بی محابا بود. تنزیل عزیز حکیم، او را روحی توانا و شخصیتی قوی و دیدگانی با بصیرت و نافذ بخشیده بود.

انجمن ملی قاهره به دستور سید و به ریاست او تشکیل گردید. محفلی بود که بر خلاف اکثر محافل سیاسی و اجتماعی آن روز مصر و دیگر کشورهای اسلامی، هیچ مجال پروردن خیال قدرت و پختن دماغ عزت ظاهری و یاوه سرایی و بافتن نبود. بنا بر رسم نهاده شده «سید استاد»، بافتی بود که تار و پودش اسلامیت و انسانیت، منزّه بودن از خودپسندی و نیز آماده بودن برای هر گونه فداکاری در راه اسلام و جامعه اسلامی بود. شمار اعضای آن که اغلب از نخبگان تأثیرگذار و تربیت یافتگان چنین مرام و مسلکی بودند، به سیصد تن بالغ می شد، سید در آن، حقایق حیات آفرین آیین و سنت سید المرسلین را به گوش و قلب اعضا می رسانید. در صورت جلسه ای که از جلسه پانزدهم تهیه شده، چنین آمده که سید استاد به کرسی خطابه رفته، گفت:

بارالها گفته توست: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ**
(عنکبوت، ۲۹/۹۶)

و از آن جا که دعوت من و اجابت این نفوس زکیه خالصاً لوجهک الکریم بود، مرا به موجب گفته حق خود به سبیل عدالت راهنمایی فرمودی.

آقایان! مدینه فاضله انسانی و صراط مستقیم سعادت بشری، قرآن است. گرامی دستور مقدس که نتیجه شرافت کل ادیان حقه عالم و برهان قاطع خاتمیت مطلقه دین اسلام الی یوم القیامه و ضامن سعادت دارین و فوز نشأتین است؛ آه! که چه سان از فرط غفلت مهجور شده. گرامی دستور مقدس که مختصر شراره از قبسات انوار مضيئه اش عالم قدیم و دنیای جدید را از آن حقارت به این تمدن رسانید؛ آه! که چه سان فواید امروز آن از فرط جهل و غفلت منحصر در امور ذیل شده است:

تلاوت بالای قبور در شب های جمعه، مشغولیت صائمین، زباله مساجد، کفاره گناه، بازیچه مکتب چشم زخم، نظر قربانی، قسم دروغ، مایه گدایی،

زینت قنطاق بچه، سینه بند عروس، بازوبند نانوا، گردن بند بچه ها، حمایل مسافری، انتقال اسباب، حرز زورخانه، مال التجاره روسیه و هند، سرمایه کتابفروشان، سرمایه گدایی زنان بی تقوا و مردان بی سر و پا در معابر. ۳۱

آه! والهفاه! این کتاب مقدس آسمانی، این گرامی تصنیف حضرت سبحانی، این مایه کل السعادات انسانی، امروز از دیوان سعدی و حافظ و مثنوی و ابن فارض کمتر محل اعتنا و مورد اهتمام است و کمتر در مواعظ و معانی عرشی و فرشی از او استفاده می کنند. اما بر عکس، اگر در جمعی یکی از منسوجات شعریه خوانده می شود، نفس ها از ته دل کشیده، گوش ها و ذهن ها برای آن باز ماند؛ اما قرآن هرگز در هیچ جا با قیل و قال و فکر کسی درگیر نیست.

ای و حَقِّکَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: نَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ أَنْفُسَهُمْ. تو را فراموش کردیم تو هم آینه قلوب ما را از انعکاس توفیق ذکر حقایق و ذکر مقدسات محروم نمودی. سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: إِنْ اللَّهُ لَا یَغْتَبِرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى یَغْتَبِرُوا مَا بَانْفُسَهُمْ... (رعد، ۱۱/۱۳)

سید در آن جلسه به آنان اعلام نمود که تنها راه خلاص، کم نمودن از تجملات ظاهری و صوری و اکتفا به ضروریات زندگی و حتی اسقاط اضافات و فروختن و واریز نمودن وجه آن ها به صندوق انجمن است. هر یک از اعضا نیز ملتزم شد بر قرائت دست کم یک حزب از کلام اللّٰه مجید محافظت نموده، حال خویش را به دقت در آینه قرآن کریم به مورد معاینه و مذاقه بنهد، در حال خویشتن تفکر و بر موارد ذیل محافظت نماید:

۱. ادای فرایض و نوافل به جماعت، ۲. امر به معروف و نهی از منکر، ۳. دعوت به اسلام، ۴. بحث با دعاه نصاری بالتی هی أحسن، ۵. احسان به فقرا، ۶. اعانت و قضای حوائج هر محتاجی با تمکن، ۷. صله رحم، ۸. عیادت مرضی، ۹. تفقد از حال غائبین، ۱۰. زیارت قادمین، ۱۱. ادای حقوق مالیه الهیه، ۱۲. ارشاد جاهل، تنبیه غافل، ۱۳. تنزیه و تقدیس آینه نفس از مطلق ملکات خبیثه خاصه ملکه رذیله خودخواهی، خودبینی، خودپسندی و موارد متعدد دیگر.

در جایی دیگر گفت:

یا للمصیبه! یا للرزیه! این چه حالت است؟ این چه فلاکت است؟ مصر و سودان

و شبه جزیره بزرگ هندوستان را که قسمت بزرگی از ممالک اسلامی است، انگلستان تصرف کرده، مراکش و تونس و الجزایر را فرانسه تصاحب نموده، جاوه و جزایر بحر محیط را هلند مالک الرقاب گشته، ترکستان غربی و بلاد وسیعه ماوراء النهر را قفقاز و داغستان را روس به حیظه تسخیر در آورده، ترکستان شرقی را چین متصرف شده، از ممالک اسلامی جز معدودی بر حالت استقلال نمانده، این ها نیز در خوف خطر عظیم اند. شب را از ترس اروپاییان خواب ندارند و روز از وحشت و دهشت مغربیان آرام نیستند. نفوذ اجانب چنان در عروقشان سرایت کرده که از شنیدن نام روس و انگلیس بر خود می لرزند و از هول کلمه فرانسه و آلمان مدهوش می شوند. این همان ملت است که از پادشاهان بزرگ جزیه می گرفتند و امرای عالم با کمال عجز و انکسار به دست خود باج بدیشان می دادند. امروز کارشان به جایی رسیده که در بقا و حیات شان مأیوس اند و در خانه خود زیر دست و توسری خور اجانب اند... ۳۲

پس از مدتی که سید در مصر به سر برد و این گونه افکار خود را نشر داد، «لرد کرومر» مستشار مالیه انگلیس یک باره دریافت که از نفوذ انگلیس در مصر، چهل و پنج در صد کاسته شده، ترازنامه تجارت انگلیس در مصر، سی و پنج در صد کاهش نشان می دهد. بنا بر نوشته لطف الله اسدآبادی، خواهر زاده و امین سید جمال، پس از آن، ناله و فغان «لرد» و نمایندگی های تجاری انگلیس، نمایندگی های حرکات تبشیری، تحصیل داران مالیه شراب فروشی ها، تماشاخانه ها و گردانندگان خانه های فساد و دیگر نمایندگان دیدبانان انگلیس به کهکشان فلک بلند شد. «لرد کرومر» در گزارش خود به حکومت بریتانیا نوشت: اگر انجمن حزب ملی یک سال دیگر در مصر برقرار باشد و سلسله جنبان امروزه آسیای غربی و مرکزی و آفریقای شمالی، سید جمال، در مصر آسوده زیست کند، گذشته از این که سیادت و هیمنه اروپا از قاره آفریقا بالمره معدوم گردد، سهل است، ترس از آن است که سیادت قاطبه اروپا از هیمنه این انجمن عجیب وجود تاریخی کسب نماید (یعنی نام و یادش به تاریخ پیوندد). او در ادامه می نویسد: انجمن حزب ملی مصر بهترین برهان است بر استیلاي محیر العقول اعراب در سیزده قرن پیش که در کم تر از ربع قرن بر ثلث معموره استیلا و سلطنت یافتند. ۳۳

این تنها یک نمونه از اصلاحات او در سایه قرآن کریم بود.

سفر به اقطار مختلف

سید جمال در جهت طرحی که برای بین الملل اسلامی و نیز صحوه و بیداری آن داشت، کشورهای مختلف جهان همانند هند، مصر، آلمان، ترکیه، فرانسه، روسیه، بین النهرین و عربستان، را در نوردید؛ با سران قوم و علما و اندیشمندان به صحبت می نشست، همانگونه که به موقع خود سراغ توده نیز می رفت و با همه آن ها بی وقفه از قرآن و لزوم حرکت در پرتو آن سخن گفت. ۳۴

آوازه او در همان ایام حیات نه چندان طولانی، آفاق را درنوردید، در سراسر نواحی مهم اسلامی شناخته شده و ورودش به این نواحی پوشیده نمی ماند و اشخاص برای زیارت او و استماع سخن به دیدارش می شتافتند. زمامداران نیز چه برای شنیدن نصح و صلاح او و چه برای حفظ ظاهر در برابر رعایا و نخبگان و آگاهان کشور خود همواره از وی دعوت رسمی و علنی می نمودند، از او پذیرایی می کردند و گاه برایش مقررری تعیین می کردند. اما هرچه که ورود او اغلب با تشریف و اجلال همراه بود، دیری نمی پایید که این اجلال و تشریف، جای خود را به طرد و اخراج می سپرد. حکومت ها و از ورای همه آن ها استعمار پیر، از حضور وی، خطر را استشمام می کردند و ماندن وی را خلاف عقل منفعت اندیش می یافتند و به طرق مختلف یا مانع ارتباط آزاد مردم با وی می گشتند یا اینکه برایش برنامه خروج و نفی بلد تدارک می دیدند. ۳۵ این هم از عجایب روزگار بود که ناصرالدین شاه مستبد در سومین سفر خود به اروپا در مونیخ با وی دیدار و از او دعوت کند تا برای انجام پاره ای اصلاحات در امور کشور و از جمله برای نوشتن قانون اساسی به ایران بیاید. ۳۶

سید جمال پس از این دعوت به ایران آمد. او ضمن مذاکرات خود با ناصرالدین شاه، در پاسخ این پرسش که از شاه چه می خواهد، گفت: «دو گوش شنوا!» همان چیزی که در وجود شاه و اطرافیانش هیچ به هم نمی رسید و سخنی که شاه را تلخ و ناگوار آمد. سید، نومید از خانه میزبان خود، حاج امین الضرب، به جوار سید عبدالعظیم حسنی آمد. در همان جا خیل مردم، به ویژه جوانان و روشنفکران، به دیدن و شنیدن سخنان وی می آمدند. ناصرالدین قجر، این را تاب نیاورد و برای وی پیغام فرستاد از ایران برود. پاسخ

فرستاد: من محکوم حکم کسی نیستم که بگویند بیا، بیایم، بگویند برو، بروم. من این نقض عهد سلطان ایران را آشکار خواهم ساخت، فصل سرما و زمستان نیز که تمام شد، به سوی خواهم رفت. شاه فوجی متشکل از پانصد سرباز را مأمور اخراج وی از حرم و در نهایت از ایران نمود. وی را بیمار و تب دار، در روزی برفی، با بیحرمتی تمام از حرم بیرون کشیدند، سوار بر مادیانی برهنه با پاهای بسته به زیر شکم حیوان همانند مجرمان، به مرز خانقین بردند و در آن جا تحویل حکومت عثمانی دادند. سید به میرزا محمد حسن شیرازی نامه ای نوشت و فساد و فضحیت حکومت ایران را در آن آشکار ساخت؛ نامه ای که به صدور فتوای تحریم تنباکو انجامید و یک مبارزه منفی برای اولین بار، بینی استعمار پیر را در یک سرزمین شرقی به خاک مالید، تا خط سرمشقی بوده باشد برای آن چه قرار بود بعدها در هند و مصر و دیگر نقاط بر سر این استعمارگر بیاید.

در ابعاد مسئله تحریم تنباکو، همین بس که میرزای بزرگ، هنگامی که خبر پیروزی نهضت را شنید، لب به دندان وا همه و اندیشناکی گزید که از امروز، استعمار از قدرت مرجعیت شیعه خبردار شده و در کار فتنه و شر بر ضد آن خواهد رفت. پس از اخراج سید از ایران، آشوبی خاموش ناشدنی در دل شاگرد او میرزا رضا عقدایی کرمانی افتاد. میرزا رضا در پی او به عثمانی رفت، پس از آن به ایران بازگشت و شاه قدر قدرت قجر را در آستانه پنجاهمین سال سلطنتش و در اولین ترور سیاسی عصر جدید، به تیر خود گرفتار ساخت. صورت استنطاقات او، اوج و عمق بینش و نیز دلاوری او را نشان می دهد؛ اعلام کرد: اگر چشم بصیرت داشتید می دیدید که قلب شاه را همان جایی نشانه رفتم که او قلب سید را در روز برفی سوخت. از زمان دستگیری تا زمان اعدام، اغلب در حال تلاوت قرآن کریم بود. طناب دار را که در میدان قورخانه بر گردنش انداختند، با خواندن آیه ای از قرآن، در حضور همگان اعلام کرد: این چوبه را نگاه دارید که از این پس به آن نیاز خواهید داشت. پسر شاه، در مکتب سر کننده شده گرگ درس خواند و فرمان «عدل مظفر» را توشیح فرمود و بالاخره آن قانون اساسی که ناصرالدین شاه فرموده بود، تهیه شد! و ایران در یک صد سال پیش (۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی) ششمین کشور جهان در داشتن قانون اساسی گردید. بلکه مشروطیت، منتهی به کنده شدن ریشه دودمان قاجار گردید و ملت راه خود را یافت. کشوری که در آن سلطان صاحبقران تاجدار قرن (که در آن موقع

معادل پنجاه سال و معادل طول سلطنت ناصرالدین شاه بود)، تا به آخر شاهی نتوانست کرد، هیچ شاه دیگر این نتوانست. طول و تفصیل و شیوه ملک داری او در ایران دیگر تکرار نشد و پس از او هیچ سلطانی از میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک اعظم - که در زمان مظفرالدین شاه، شاه واقعی کشور و نیز مجری تبعید سید و اعدام میرزا رضا بود و به شیوه ای مشابه ناصرالدین شاه از سر راه مشروطیت برداشته شد - تا آخرین شاه تاریخ ایران، محمد رضا پهلوی، در این سرزمین به مرگ عادی یا بر سریر سلطنت و در سرزمین خود نمرد. سقوط پهلوی دوم بر اثر انقلاب اسلامی و در آغاز قرن واقع شد که امام خمینی آن را قرن پیروزی مستضعفین بر مستکبرین نامید.

اقبال به روش و نگرش طرح شده

روش سید جمال در تفسیر قرآن، چشم محمد عبده را از نو به جهانی تازه گشود. ۳۷ عبده، شیخ الازهر و مفتی و بالاترین مقام دینی مصر و بلکه اهل سنت و سرآمد نویسندگان و مجتهدان دیار خود و دومین شخصیت اسلامی در زمینه بیداری اسلامی در منطقه خود به سبب القای دروس منظم و انتشار آنهاست. او پس از آشنایی با سید جمال، سال ها در مصر نزد او به فراگیری دروس قرآن و علوم دیگر پرداخته، طی چندین سفر نیز در اروپا، مصاحبت سید جمال و همکاری علمی با او را در نشر روزنامه و آثار علمی یافته بود. ۳۸ او در تفسیر خود بین اسلام و نظریات جدید وفق داد ۳۹ و بر اثر تشویق و انگیزه آفرینی سید جمال به فراگیری فلسفه و ریاضیات و اخلاق و سیاست روی آورد و فرصتی نیکو یافت تا روش تدریس و دروس دنباله دار تفسیر خود را ترویج و منتشر سازد و در باره آن ها با علمای الازهر نیز به گفتگو بنشیند. ۴۰ رشید رضا پس از پیشنهاد شیخ عبده به او مبنی بر نگارش تفسیری که در آن از روح و روشنایی موجود در عروه الوثقی دمیده شده باشد ۴۱ دست به نگارش تفسیر المنار زد و هر چند این تفسیر تنها تا جزء دوازدهم و دوازدهمین سوره قرآن نوشته شده اما تفسیری در نوع خود، بدیع و تأثیرگذار است.

آثار رویکرد اجتماعی به قرآن کریم در عرصه بین الملل اسلامی

کوشش های سید جمال و پس از او محمد عبده، که همه بر پایه بازگشت به قرآن بود

منشأ بیداری در سرزمین های مختلف گردید. نهضت اصلاحی بازگشت به قرآن در دو قرن دوازدهم و سیزدهم هجری^{۴۲} مقدمه ای برای نهضت های بیداری و آگاهی از تمدن اسلامی و مبارزه با استعمار غرب بود.^{۴۳} گروه های اسلامی پیرو این اندیشه نیز در نهایت دوری از حقیقت را همان نهادن قرآن در موزه ها و اکتفا به اقوال علما، قائل شدن اعتباری بیش از قرآن برای سخن علما، ناقص دانستن کلام الله و بی اعتقادی به روشن بودن آن دانستند و بازگشت و بهره برداری مستقیم از آن را ضروری شمردند.^{۴۴} جامعه علمای اسلامی در شمال آفریقا بلافاصله پس از نهضت مورد اشاره شکل گرفت^{۴۵} و حرکت ها و جنبش های گوناگون در کشورهای اسلامی از اندونزی، هندوستان و افغانستان^{۴۶} و پاکستان،^{۴۷} شرق و شمال خراسان بزرگ^{۴۸} تا ترکیه،^{۴۹} سوریه، فلسطین، لبنان^{۵۰} بین النهرین و منطقه مغرب اسلامی و شمال آفریقا^{۵۱} به ویژه کشورهای الجزایر، سودان، تونس، مراکش و در یک عبارت کوتاه از کرانه های خلیج بنگال تا کناره های اقیانوس اطلس پدید آمدند و شخصیت ها و متفکران اسلامی متعددی در نواحی مزبور ظاهر شدند. «محمد علی»، «شوکت علی»، محمد اقبال و قائد اعظم محمد علی جناح از پرتو همین شعله مقدس افروخته شدند و امروزه این گلبانگ مقدس آزادی و استقلالی که از شمال شرقی و شمال غربی و اسیر اکناف هند به گوش می رسد و نهضت استقلال هند به رهبری مهاتما گاندی همه از آن دستگاهی بر می خیزد که سرانگشت سید جمال الدین اسدآبادی رشته های تابناک آن را در هشتاد سال پیش به نوازش در آورده است.^{۵۲} بسیاری از کشورهای غیر اسلامی آفریقا نیز پس از کشورهای آفریقایی مزبور ادبیات مبارزه و استقلال و حتی نبرد مسلحانه را آموختند.^{۵۳} میان آن چه سید جمال در مصر بنیاد کرده و سپس بالیده بود و نیز آن چه در ایران می گذشت، تاثیر و تاثیری بسیار وسیع در طول تاریخ گذشته پدید آمد؛ جدا از نهضت تنباکو و مشروطیت در ایران، بسیاری از خیزش های فکری و اجتماعی دیگر از تعالیم او بهره مستقیم بردند؛ نظیر حرکت بی مانند تقریبی که بین مرجعیت شیعه در زمان آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی و ریاست الازهر آغاز شد و در نهایت منجر به صدور فتوای شیخ محمود شلتوت در اعتراف به حقانیت شیعه گردید.^{۵۴} زایش و بالش حرکت هایی همانند اخوان المسلمین در مصر و فداییان اسلام در ایران بر یکدیگر دارای تاثیر متقابل بودند.^{۵۵} حرکت فداییان اسلام، عاملی مهم در ملی شدن صنعت

نفت در ایران بود. ملی شدن آبراه سوئز در مصر نیز پس از آن روی داد و این هر دو شکستی بزرگ برای استعمار پیر بودند، اما پشتوانه اصلی این تحول در مصر نیز مجاهدت‌ها و جنگ‌های چریکی آزادیخواهان اسلامی مصر و در رأس آنان اخوان المسلمین بود. ۵۶

آموزه‌های قرآنی سید جمال در برهه‌هایی بسیار حساس، امت اسلامی را از سردرگمی و سرخوردگی مطلق نجات داد و پناه امت سرگشته عربی و اسلامی و نیز چراغ راه دیگر مصلحان و روشنفکران دینی گردید. از جمله برهه‌های بسیار حساس مورد اشاره، می‌توان شکست سهمگین اعراب را از ارتش یهود در سال ۱۹۶۷ ذکر کرد. شکستی با ابعاد بسیار دور از انتظار که طی آن، اعراب نه تنها خاک و نفرات و اموال خود را از دست نهادند و در صحنه‌های سیاسی و جهانی بسیار تحقیر شدند، بلکه امید و اعتماد خود را به بسیاری از آرمان‌ها و شعارهایی از دست دادند که گوش خود از آنها آکنده و دل خود را به آنها بسته بودند؛ آرمان‌ها و شعارهایی همانند: وحدت عربی و ناسیونالیسم و پان عربیسم، عدم تعهد، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، روی آوری به شرق جهت منزوی ساختن غرب و یا امید به نمودها و نمادهای آزادی و رفاه و سرمایه‌گری برای رهایی از فقر و نیل به کرامت انسانی و ملی، استفاده از پول نفت برای مبارزه با غرب و یهود تجاوزگر. چرخ حرکت رو به جلو قفل شده بود و آن جایی که حرکت رو به جلو ناممکن می‌شود، دیدگان به گذشته‌ها دوخته می‌شود. تنها پاسخی که به نظر اغلب فعالان فکری و اثرگذاران رسید، بازگشت به همان نیرویی بود که ساکنان امپراطوری‌های عثمانی و ایران و شمال آفریقا را به تکان واداشته بود؛ آری در همین زمان بود که حتی متفکرانی آزادی‌خواه که به غرب زدگی شهرت یافته بودند به جانب مذهب روی آوردند.

طه حسین به نوشتن کتبی مرتبط با سیره حضرت رسول اکرم (ص) همانند «علی‌هامش السیره»، «علی و بنوه»، «الفتنه الکبری» و غیر آن روی آورد؛ چهره‌های دیگر ادبی مصر همانند «محمد حسین هیکل» و «عباس العقاد» که به نحوی زیاد تحت تأثیر نویسندگان غربی همچون «برگسون»، «برنارد شاو» و «والس» قرار داشتند، به موضوعات اسلامی توجه نشان دادند. روی آوری یک پارچه به مذهب، علاوه بر مسلمانان به روشنی حتی در میان انبوه قبطیان و مسیحیان مصر نیز مشاهده شد. حتی داستان نویسان کمونیست دریافتند که باد به پرچم اسلام می‌وزد و با طرفداری زیاد به موضوعات اسلامی توجه نشان

مقابله با مغلظه ها

جنبش بازگشت به قرآن و استخراج دستورالعمل های زندگی از آن و دوری از افراط پیشین، خطر فروافتادن در تفریطی دیگر را نیز با خود داشت که عبارت از نگرش اجتماعی صرف و تک بعدی به قرآن و تغافل از ابعاد معنوی آن بود. مصلحان واقعی و اسلامگرای امت این خطر را به خوبی درک کردند. چنان که سید جمال که خود از یک سو برخوردار از علوم روز را لازم می دید و تحریم علوم و فنون غربی را از سوی مسلمانان مردود می شمرد،^{۵۸} در عین حال از آن چه او آنها را فریبکاری برخی مصلحان می یافت برحذر می داشت.^{۵۹} سید جمال هنگامی که از مصر به هند رفت با افکار سر سید احمد خان هندی آشنا شد که زمانی قهرمان اصلاح در هند به شمار می رفت و شخصیت مقتدر اسلامی دیار هند و روشنفکر و آزادی خواه به شمار می رفت. او دانشگاه اسلامی الیگره را نیز تأسیس کرده بود تا از این طریق، آن گونه که خود می دید، خدمات اصلاحی خود را انجام دهد. سید جمال دریافت که سر سید احمد خان هندی سعی دارد مسائل ماوراء طبیعی و غیب و معقول و معجزات صریح در قرآن را به نام و بهانه علم توجیه طبیعی کند و عادی جلوه دهد.^{۶۰} یا به سبک افرادی اعتقاد تأویل نماید.^{۶۱} او تفسیری نوین بر قرآن با عنوان «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» نگاشته که در آن مسأله حقیقت وحی، نبوت، حقیقت ملائکه و جهنم و بهشت را با عقلانیت مطلق و علم زدگی مورد بررسی قرار می دهد و سید جمال طی یک مقاله انتقاداتی شدید بر آن نگاشت^{۶۲} و با همه اشتهاوری که خود او در نوگرایی داشت، خطر مغلظه و انحراف نهفته در آن را به خوبی تشخیص داد و برابر آن ایستاد.^{۶۳}

امام خمینی و رویکرد اجتماعی به قرآن کریم

قریب یک قرن پس از سید جمال الدین، رهبر انقلاب اسلامی ایران، حرکت خود را آغاز کرد، زمانی که بذره های حرکت آغازگرانه سید جمال مؤسس و مجدد، جوانه های خود رازده بود. میان دیدگاه های این دو سید، ماندگی هایی چشمگیر دیده می شود که این نوشتار برخی از آن ها را از نظر می گذراند:

امام خمینی خود داعی به سوی برداشت اجتماعی و سیاسی از قرآن کریم در کنار آن همه برداشت های عرفانی و اخلاقی از کلام الله مجید است. او عقیده داشت که مفسران بزرگ عمده هم خود را صرف یکی از جهات همچون تاریخ و سبب نزول آیات و مکی و مدنی بودن آیات و سور و اختلافات قرائات و مفسرین کرده و باب تعلیمات را بر روی مردم نگشودند. ۶۴ همان گونه که در جای دیگر، با وجود همه تأکیدی که بر فقه جواهری داشت، با شجاعتی تمام اعلام داشت:

امروز اجتهاد مصطلح در حوزه های علمیه برای اداره یک کشور اسلامی کافی نیست. انقلاب اسلامی که به رهبری او به پیروزی رسید نقشی آشکار در روی آوری به قرآن با نگرش اجتماعی در دید مسلمانان ایران و جهان داشت و می توان گفت راه را بر بازگشت به تفاسیر ناکارآمد و فاقد حرکت آفرینی که کار سیلاب را می توانستند و کار باران را نمی توانستند کرد به کلی بست. او از صدور فرهنگی آن انقلاب به همه جهان سخن گفت. پیشتر نیز اعلام داشته بود که پس از ایران نوبت بیداری و خیزش منطقه و کشورهای اسلامی و پس از آن نیز نوبت تمام جهان، یعنی جهان پابرهنگان و محرومان خواهد بود. سفرهای اجباری امام خمینی به کشورهای ترکیه، عراق و فرانسه و جدا از آن، سفر به لبنان، آثار و ثمراتی روشن از خود بر جای نهاد. همان سرزمین هایی که سید جمال قریب یک قرن پیش زیر پا نهاده، در آن ها بذر حرکت و بیداری را پاشیده بود. او بارها در سخنان خویش به مضامین گوناگون از بین الملل اسلامی و ابعاد آن سخن می گوید. از جمله به مناسبتی این سخن را می گوید که ملی گراها تصور نمودند هدف ما پیاده کردن احکام بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است، حال آن که چنین چیزی هیچ گاه امکان پذیر نمی باشد و برافراشتن پرچم لاله الا الله تنها بر قلّه کرامت انسان ها میسر است.

جدا از ضرورت و حتمیتی که او برای تشکیل حکومت اسلامی و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین قائل است، او نیز همانند سید جمال تصریح می کند اگر امت اسلامی خیال پیروزی و ستاندن داد خود را دارد، باید هسته های مقاومت را در سراسر جهان تشکیل دهد. او نیز رویکرد التقاطی به قرآن کریم را از یک سو و نیز برخورد متحجرانه با رهنمودهای آن را از سوی دیگر مردود می شمرد و بارها نسبت به خطرات ناشی از آن ها هشدار داد او معتقد بود که تدبیر در قرآن باید برای عموم آحاد جامعه اسلامی میسر باشد، باید زمینه ای

فراهم شود که هر مسلمان در هر آیه از آیات شریفه که تدبیر می کند مفاد آن را با حال خود تطبیق کند و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع سازد و امراض خود را به آن شفا دهد. ۶۵

اعتقاد به اختصاص فهم به مفسران و محصور و محدود ساختن معارف قرآن کریم به هر آن چه مفسران فهمیده و نوشته اند یکی حجب و موانع فهم و استفاده از قرآن کریم است که موجب عاری نمودن آن از جمیع فنون استفاده و نیز مهجور ساختن آن خواهد بود. ۶۶

ما امروز مفتخریم، که می خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت ساز سر از پا نشناخته جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می کنند. لازم است هر طایفه ای از دانشمندان اسلامی دامن همت به کمر زده، در بعدی از ابعاد قرآن، همچون ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، جنگ و صلح قرآن وقت صرف نمایند تا معلوم شود قرآن سرچشمه همه چیز است ۶۷ و نگذارند جاهلان بر سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند. روی آوری به قرآن از راه چاپ و نشر قرآن های زیبا از سوی حکومت های مدعی اسلام نیست، بلکه هدف نهایی این گونه حکومت ها محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرت ها و نیز خارج نمودن قرآن کریم از صحنه است. ۶۸ لازم است مدرسان علوم اسلامی افکار خود را برای پربار کردن علوم اسلامی مختلف از جمله تفسیر به کار برند ۶۹ در عین حالی که خود مفسر هیچ گاه نباید علوم و معارف قرآنی را دیگران بازگو کند و خود را از آنها مستثنا بداند. ۷۰ او نیز همانند سید جمال معتقد بود برگرداندن تمام معنویات قرآن به مادیات را مردود و معلول فریفتگی به زرق و برق شدید دنیای امروز است. ۷۱

امام خمینی به صراحت عدم مشروعیت دینی و ملی شاه و حکومت و نهادهای وابسته به او را اعلام کرد، این چیزی بود که سید جمال از مراجع بزرگ معاصر خود به اصرار می خواست و به آنان می گفت: هر کس خیال کند خلع این پادشاه (ناصرالدین شاه مستبد) جز با قشون و توپ و بمب ممکن نیست، خیال بیهوده ای کرده، این طور نیست! چون یک عقیده و ایمانی که در قلب مردم رسوخ کرده و در دل آن ها جای گرفته، و آن عقیده این است که مخالفت علما مخالفت خداست. به راستی هم همین طور است و پایه مذهب هم

روی همین عقیده می باشد... ملل دیگر از این قدرت و نفوذ کلمه و سرعت تأثیر این فرمان (تحریم تنباکو) متعجب گردیدند و کفار مبهوت ماندند. این قدرتی است که خدا به شما داده تا با آن دین و حوزه اسلام را نگهداری کنید در این صورت آیا سزاوار است با داشتن چنین نیرویی دین را واگذارده یا در کمک نمودن به شریعت کندی نمایید؟ ابدأ! ابدأ! ۷۲

اما مخاطبان این گونه نامه ها و پیغام های سید جمال، چه بسا زمان را برای چنان چیزی و پذیرش مسئولیت های ناشی از آن مناسب ندیدند و حکم به عدم مشروعیت و خلع شاه زمان خود ندادند.

نیز از همان نوع دعوت سید جمال بود آن دعوتی که امام خمینی (ره) یک سده بعد از حکومت و مردم روسیه بزرگ به عمل آورد تا خسته از راه طی شده الحاد و بی خدایی رو سوی اسلام و قرآن آرند.

آن چه در اعمال و رفتار امام خمینی و سید جمال، بیش از هر چیزی دیگر جلب نظر می کند این است که آنان خود تربیت شده قرآن بودند و شاکله اندیشه و جان خود را از این پیام، آکنده و سرشار داشتند، از همین رو توانستند با عموم مردم، اعم از توده ها و خواص، هر یک به فراخور حال ارتباط و اتصال بیابند، سخن خود را با زبانی باز و گویا به گوش جان آنان برسانند و در نهایت با کمترین هزینه های مادی و انسانی، بزرگ ترین دستاوردها را در عرصه بین الملل اسلامی بیافرینند. شاخصه اخیر را می توان مهم ترین شاخصه بیدارگران قرآنی دانست.

۱. قابل ذکر این که موضوع «اسرائیلیات» برابر قرآن و اسلام، تنها به جعل برخی احادیث و اخبار در صدر اسلام محصور نمی باشد. یهود و اسرائیلیات او را در اشکال و شیوه های مدرن و پیچیده اش نیز باید به دقت مورد بررسی قرار داد. نقل مختصری از خاطرات همفر برای دیدن این است که استعمار عاجز از مقابله مستقیم با قرآن، برای ناکارآمد کردن آن کریم، چه جاهایی را به دقت هدف گرفته است. درز دادن برخی شگردها و اسرار به دلایلی متعدد، خود یکی از سیاست های این گونه سازمان هاست، چنان که نظیر این موارد را در کتاب

هایی همانند «راه نیرنگ» و «یک نفر در برابر پنج هزار نفر» و «شناسایی و شکار جاسوس» و «جنگ جهانی چهارم دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت» می بینیم. خاطرات همفر به چندین زبان و در چندین جای دنیا به اغراض گوناگون منتشر شده است: آلمان ها در دومین جنگ داخلی اروپا (مشهور به جنگ جهانی)، خاطرات همفر را به عنوان سندی از سرزمین خود در روزنامه اشپیگل به زبان آلمانی و در قالب مجموعه ای دنباله دار منتشر کردند. ترجمه انگلیسی آن بعدها در بمبئی منتشر شد. پس از جنگ

دوم، یک نشریه فرانسوی این خاطرات را به فرانسه منتشر کرد. لغری متن اخیر پس از آن در بیروت منتشر شد و متن عربی متن مبدأ یکی از ترجمه های موجود از خاطرات همفر در زبان فارسی قرار گرفت.

۲. در این زمینه تحلیلی همسو، اما از زاویه ای دیگر و حاوی اشاره نقش غرب و یهود در تحریک مغول، ضد جهان اسلام را توان دید در: لولای سه قاره/ ۴۱.

۳. خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی/ ۵۰.

۴. مقارن زمان عملی کردن همین نقشه است که سید رشید رضا در تفسیر المنار، ذیل آیه ۱۵۷ و ۱۵۶ اعراف. از اتصال رسالت پیامبران پیشین به رسالت رسول اکرم (ص) و نیز از ابعاد جهانی رسالت حضرت سخن می گویند. بحثی مفصل را در خصوص ترجمه قرآن و کوشش جهت پدید آوردن قرآن ترکی و اذان ترکی و اسلام ترکی و غیر آن در منطقه پراهمیت عثمانی و بخشهای دیگر گسترانده است.

۵. خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی/ ۵۳-۸۴.

نوع مطالبی که به نقل از همفر در کتاب مورد اشاره آمده، در منابعی همانند منابع ذیل قابل بررسی و مقایسه اند:

Encyclopedia Americana" Vol. 23" P. 804

: Encyclopedia Britanica" Vol. 15" P.

1163 ; Encyclopedia Judaica" Vol. 14"

P. ۳۴۲ ؛ پروتکل های دانشوران صهیون، عجاج

نویهض، ترجمه حمید رضا شیخی ؛ ظهور و سقوط

سلطنت پهلوی، ۲/ ۲۰۰-۹۹ ؛ حاضر العالم

الاسلامی، ترجمه به عربی عجاج نویهض ؛ لولای سه

قاره/ ۹۶. ۷۴ ؛ عربستان بی سلاطین/ ۳۹، ۷، ۶

؛ لوتسکی، ولادیمیر (مورخ و عرب شناس شهیر

روسی)، تاریخ عرب در قرون جدید/ ۲۲۳ ؛ سمسون،

آنتونی، بازار اسلحه/ ۱۹۸. ۱۶۸ ؛ لوران، اریک،

جنگ بوش ها، اسرار ناگفته یک جنگ، ترجمه سوزان میرفندرسکی، نشر نی، تهران ۱۳۸۲؛ تیمرمن، کنت، آر. سوداگری مرگ، ناگفته های جنگ ایران و عراق ؛ گارودی، روزه، محاکمه صهیونیسم اسرائیل ؛ ولیجانی، زهرا، بررسی ابعاد حسادت یهود در قرآن، عهدین و در عصر حاضر/ ۲۲۹، ۱۷۳، ۲۲۱.

۶. داستان سید جمال، با اغراض برخی نویسندگان آمیخته است. (نقل برخی نمونه ها را نک. سید

جمال الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی/

۵۲۹، ۵۲۸، ۵۲۳؛ نقش سید جمال الدین

اسدآبادی در بیداری مشرق زمین/ ۱۵۷، ۱۵۶).

از این رو نگارنده با تبّعی که در توانش بوده کوشیده که زندگی و جهاد قرآنی او را از زاویه ای دقیق بنگرد و در بخشهای مختلف، سخن خود را مستند و با شرح و توضیحات متعدد بیاورد.

۷. آن چه در این باب گفتنی و حائز اهمیت است این

است که سوره ای همانند سوره شرح را نباید در یک

داستانی که هزار و چهارصد و سال قبل اتفاق افتاده

زندانی نمود و پرونده اش را بست. در این باره نک.

مرادی، حسین، آواز «انا اعطینا»، آغاز شکوفایی،

نشریه گلستان قرآن، مرکز توسعه و ترویج فعالیت

های قرآنی، دوره سوم، شماره ۱۳۶، سال پنجم،

شماره پیاپی ۱۷۰، یکم آبان ۱۳۸۱/ ۱۶.

۸. شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی/ ۲۵، ۵-۶.

۹. سید جمال جمال حوزه ها/ ۲۴۸.

۱۰. سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه های او/

۱۴ و ۱۰؛ بیدارگران اقالیم قبله/ ۸ و ۲؛ زندگی

و سفرهای سید جمال الدین اسدآبادی/ ۶۹-۷۱

و ۹۸.

۱۱. سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه های او/

۳۶۵-۳۶۳ و ۱۲۰؛ زندگی و سفرهای سید

همانند فقه جواهری و با اجتهادی پویا و نقش زنده شرایط زمان و مکان که امام خمینی (ره) در قرن اخیر داعیه دار بزرگ آن گردید.

۲۲. روش های تفسیری در میان مسلمانان/ ۳۱۴ و ۳۰۱.
۲۳. خاطرات حسن البناء بنیانگذار نهضت خوان المسلمین/ ۱۶-۹.
۲۴. اخوان المسلمین، بزرگ ترین جنبش اسلامی مصر/ ۱۹-۶۱.
۲۵. مالک اشتر دوران آیت الله سید محمود طالقانی/ ۱۷۰.
۲۶. حویزی، نورالثقلین، ۱/۳۱۸، ح ۴.
۲۷. در عین حال، به وی، نگارش تفسیری وجیز با عنوان «تفسیر مفسر» نسبت داده می شود که در اصل، تفسیری به آن معنی نیست، بلکه پاسخی به سر سید احمد خان و کجروبهای وی در امر برداشت از آیات قرآن کریم است.
۲۸. بیدارگران اقلیم قبله/ ۷۳.
۲۹. الطباطبایی و منهجه فی تفسیره المیزان/ ۱۱۳؛ ایازی، قرآن اثری جاویدان/ ۵۳.
۳۰. المنار، ۱/۱۲.
۳۱. سید جمال بر خلاف پندار نادرست و مشهور، اصحاب صغه را گروهی با گردن هایی کج و نگاه هایی به دستان مردم مدینه نمی داند، بلکه واقع قضیه را مورد اشاره قرار می دهد: گروهی به رغم فقر اقتصادی، دارای عقیده پاک و همانند سربازان آماده باش اردوگاه های جنگی رها از قید ظواهر و حاضر در صحنه های مرتبط با کیان اسلام و مسئله جنگ و امنیت. از سنخ همان هایی که خداوند متعال در سوره توبه (به ویژه آیات ۹۱ و ۹۲) داستان شان را بیان فرموده است. آیه لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْضِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره، ۳۷۲) در باره اصحاب صغه و عفت

جمال الدین اسدآبادی/ ۱۳۹؛ نهضت های اسلامی در صدساله اخیر/ ۳۴. نوشته های وی در فلسفه و عرفان نیز با عنوان «رسائل فی الفلسفه و العرفان»، مقدمه سید هادی خسروشاهی به چاپ رسیده اند.

۱۲. محیط طباطبایی، سید محمد، نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین/ ۵۰.
۱۳. جامعه شناسی نهضت ها، از حسن البناء، تاخالد اسلامبولی/ ۱۵.
۱۴. زندگی و سفرهای سید جمال الدین اسدآبادی/ ۸ و ۹.
۱۵. سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه های او/ ۴۱۲.
۱۶. شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی/ ۴۰؛ طرح یک نقد، گذری در هوای سید جمال الدین اسدآبادی، مشعل آزادی، تهران، ۱۳۵۷/ ۳۵، ۳۴؛ اطلاع بیشتر را نک. مجموعه اسناد ملکم، امین الدوله به ملکم، شعبان ۱۳۰۸؛ دوره خوف و وحشت، حاج سیاح محلاتی/ ۲۹۳.
۱۷. طرح یک نقد، گذری در هوای سید جمال الدین اسدآبادی/ ۳۵-۳۴؛ مسافرت های سید جمال/ ۱۵.
۱۸. سید جمال و اندیشه های او/ ۲۰۸، ۱۷۶، ۱۶۷، ۱۳۴.
۱۹. نامه های مختلف او را می توان دید: نامه های سید جمال الدین اسدآبادی، پیشگفتار محمد محیط طباطبایی؛ نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین. سید جمال، تقریباً با تمامی رجال و شخصیت های دینی و علمی و سیاسی از هر ملیت و دین که در او احتمال تأثیر و حرکتی جهت جلب مصلحت و منفعت اسلام یا دفع ضرری می داده مکاتبه کرده است.
۲۰. المنار، ۱/ ۵؛ چنان که مؤلف تفسیر المیزان نیز بعدها تصریح نمود که اغلب تفاسیر قرآن کریم در واقع تطبیق اند و نه تفسیر. نک. المیزان، ج ۱، مقدمه/ ۱۳؛ قرآن در اسلام/ ۴۸.
۲۱. روشن است که مراد او از علم فقه در اینجا، همان علم فقه رایج در مذاهب چهارگانه است، نه فقهی

و عزت نفس ایشان نازل گردید. نام افراد این گروه در صحنه های تعلیم و تزکیه نبوی و میادین دلاوری و پیکار با کفار دیده می شود. (نک. دائره المعارف قرآن کریم، ۴۲۲/۳؛ طبقات ابن سعد، ۱/۴۷۱)

۳۲. طرح یک نقد/۷۳؛ مقالات جمالیه/۱۷۰-۱۶۹. در زمانی که انگلیس، خود را مالک رقاب نیمی از کره زمین می دانست و آفتاب در قلمروی نفوذش، غروب نمی کرد، سید در شماره ای از عروه الوثقی نوشت: مگر امروز بزرگان مصر غافلند که تمام اروپا در کمین انگلیس نشسته، منتظرند که لغزشی برای او دست دهد و آرزوند که خطا و تجاوزی از او صادر شود، گوش به زنگند که یک حرکت یا اعتراضی از سوی آزادگان مصر بلند شود تا بتوانند آن را مستمسک نمایند. چه بسیار مشتاقند که مردم با ایمان مصر اظهار دارند که ما خود بر اصلاح کارهای خود قادریم و از معاونت و دخالت بیگانگان در مصر متنفر و منزجر. گردن آنان کج مانده و سرهاروی گردنشان خشک شده تا این کلمه را از مصریان بشنوند و مصریان از گفتن این کلمه مضایقه می نمایند. ای بزرگان مصر! ای امرای مصر! ای مصلحان مصر! منتظر چه هستید؟ چرا حرف حق بر زبان جاری نمی نمایید؟ ملل خارجی از شما توقع اسلحه به دست گرفتن ندارند. بذل مال و جان نمی خواهند قولی صریح می خواهند که از برای شما نه ضرری دارد و نه تشویش خطری (یادواره سید جمال الدین اسداسلامی/۸۵).

۳۳. شرح حال و آثار سید جمال/۴۶-۴۱.

۳۴. سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه های او/۱۵۴ و ۱۱.

۳۵. نمونه های این استقبال شیرین و بدرقه های تلخ را می توان دید در:

سید جمال الدین اسدآبادی و اندیشه های او/۹۸، ۸۹، ۶۳-۶۱، ۴۹، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۰، ۱۹؛ یادواره سید جمال الدین اسداسلامی/۲۴. دکتر شریعتی می نویسد: او صور اسرافیلی بود که بر بانگش، ملت های مسلمان

کفن بر خویش می دریدند و از قبرستان سکوت و رکود برمی شوریدند، حکومت ها نیز او را همانند توپ فوتبال از این مملکت به آن مملکت پرتاب می کردند. (ما و اقبال/۹۸)

۳۶. سید جمال الدین اسدآبادی، پایه گذار نهضت های اسلامی/۱۵۸. هر چند آمدن سید به ایران، تدوین بلافاصله قانون اساسی را همراه خود نیاورد، اما آثاری بسیاری مهمتر را رقم زد. این همان سفری بود که ارمغان اش، هزینه بیست کروور (ده میلیون) تومانی سفر و نیز سپردن امتیازات بانک شاهی و رود کارون و تنباکو به انگلیسی ها بود. همین امر، خود آغاز تحولاتی شد که بدانها اشاره رفته است.

۳۷. بیدارگران اقلیم قبله/۴۷. وضعیتی مرده و فرورفته در تحجر و تعصب را که الازهر در آن زمان داشت، نک. دراسات اسلامیه/۱۷۴ و شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر/۱۲۵، ۱۱۴؛ وی به مدد نگرش و بینشی که به برکت آشنایی با سید جمال یافت دست به اصلاحاتی بنیادین و ارزشمند در الازهر دست زد.

تحول پدید آمده در الازهر، سرفصلی نوین در تاریخ این دانشگاه را رقم زد. بسیاری از آثاری که پس از این دوره در الازهر نگاشته شدند و مورد توجه و اقبال روشنفکران مسلمان در ایران، خاورمیانه و آفریقا و نیز از جمله منابع الهام تحرک در این سرزمینها قرار گرفتند، محصولات بذرهای همین دوره اند. اگر روزی فهرستی از کتب فعالان انقلاب اسلامی ایران تهیه شود و نیز اگر نگاهی به گزارشهای ساواک از سخنان این افراد افکنده شود، جایگاه نوشته ها و گفته های اندیشمندان مصری، حائز توجه خواهد بود.

عبده به دلیل موانعی که در کارش افکندند، از قاهره به بیروت رفت و به کار علمی و اصلاحات دینی و ادبی در آنجا پرداخت که این امر نیز عامل بسیار مهمی بود که نام بیروت، در حال حاضر این گونه قرین نشاط

سید السادات مولانا الجمال
 زنده از گفتار او سنگ و سفال
 با چنین مردان دو رکعت طاعت است
 ورنه آن کاری که مزدش جنت است
 قرأت آن پیر مرد سخت کوش
 سوره و النجم آن دشت خموش
 قرآنی کز وی خلیل آید به وجد
 روح پاک جبرئیل آید به وجد
 دل از او در سینه گردد نا صبور
 شور الاله خیزد از قبر
 آشکارا هر غیاب از قرأتش
 بی حجاب ام الکتاب از قرأتش
 من زجا برخاستم بعد از نماز
 دست او بوسیدم از راه نیساز...
 نک. اقبال لاهوری، کلیات، پیشگفتار چاپ دوم / ۳۰۲.
 ۴۸. حکیمی، محمد رضا، بیدارگران اقالیم قبله / ۲.
 ۴۹. موثقی، سید احمد، سید جمال الدین اسدآبادی،
 مصلحی متفکر و سیاستمدار / ۱۵۹.
 ۵۰. خاطرات حسن البناء بنیانگذار نهضت خوان
 المسلمین / ۱۳۱.
 ۵۱. یادواره سید جمال الدین اسداسلامی / ۶۶.
 ۵۲. محیط طباطبایی، سید محمد، نقش سید جمال
 الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین / ۷۳. این
 سخن استاد محیط طباطبایی مربوط به سال ۱۳۲۶
 است که آن را در مجله محیط شماره ۱ دوره جدید
 نوشته است. سالهای مزبور، همان سالهای به گوش
 رسیدن گلبانگ آزادی هند است که استاد از آن سخن
 می گوید و آن گلبانگ را گروهی معدود در ایران
 می شنیدند و به تدریج پژواک آن شدت گرفت.
 ۵۳. ما و اقبال / ۹۸، ۷۸، ۷۴، ۲۸؛ به عنوان مثالی
 دیگر: محمد جواد مغنیه، مفسر لبنانی در تفسیر خود
 به عنوان نمونه ای از ایستادگی برابر ظلم از سید جمال

فرهنگی و ادبی باشد. وی همچنین در کنار جنبشهای
 علمی، کانون وحدت ادیان آسمانی را بنا نهاد که محل
 حضور و همدلی علمای بزرگ مسلمان و یهودی و
 مسیحی و همدلی در باب اوضاع اجتماع بود. نک.
 شیخ محمد عیبه مصلح بزرگ مصر / ۷۷ و ۷۱.
 ۳۸. شرح حال و آثار سید جمال / ۱۰۵ و ۳۸.
 ۳۹. سید جمال جمال حوزه ها / ۵۸۰ و ۹۴.
 ۴۰. روش های تفسیری در میان مسلمانان / ۲۹۹.
 ۴۱. المنلر، ۱ / ۱۰-۱۲.
 ۴۲. قرآن و تفسیر عصری / ۱۰۳.
 ۴۳. قرآن اثری جاویدان / ۵۳.
 ۴۴. سید جمال جمال حوزه ها / ۱۷۷، به نقل از عروه
 الوثقی / ۲۶، مقاله النصرانیه و الاسلام و اهلهما؛
 مصر لژ زاویه ای دیگر / ۱۴۷.
 ۴۵. شریعتی، علی، ما و اقبال / ۵۶ و ۵۷.
 ۴۶. سعیدی، غلامرضا، مقاله ای در یادنامه سید جمال
 الدین اسدآبادی، به قلم گروهی از دانشمندان /
 ۲۱۱؛ سید جمال الدین اسدآبادی، مصلحی متفکر
 و سیاستمدار / ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۹.
 ۴۷. در آزادی شبه قاره و پاکستان، پس از نقش سید جمال،
 نقش علامه اقبال لاهوری بسیار حائز اهمیت است و او
 خود از الهام گیرندگان از سید جمال بود. به گفته احمد
 سروش در مقدمه دیوان اقبال: «کسانی که با رمز انشراح
 آشنا هستند بهتر می دانند که با گشودن سینه اقبال عقده
 قرون از شعر پارسی. در عصر اخیر. باز شده است».
 اقبال خطاب به سید جمال، با حضور بر سر تربت او ایاتی با
 بن مایه ای سپاسی و قرآنی سروده که در عین حال نقش
 تأثیرگذار سید جمال را بر او به خوبی نشان می دهد:
 مشت خباکی کار خود را برده پیش
 در تماشای تجلی های خویش
 رفتم و دیدم دو مرد اندر قیام
 مقتدی تاتار و افغانی امام

نقل می کند: ای کشاورزی که قلب را به وسیله گاو آهن می شکافی پس چرا قلب کسی که تو را به بردگی می کشاند، نمی شکافی؟ نک. تفسیر کاشف، ۳۲/۵.

۵۴. در این باره، نک. زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی/ ۲۹۱-۲۵۱-۲۴۶؛ پیشوایان تقریب، آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت/ ۱۷۷: مقاله مولوی خلیل الله ربانی: آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت.

۵۵. شهید نواب صفوی در سال ۱۳۳۲ به مصر سفر کرد و در دانشگاه قاهره در حضور جمعیتی قریب به هفتاد هزار تن سخنرانی بسیار پرشوری را ایراد کرد. خود او نیز از دیدن آن چه در مصر دیده بود، به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و بیش از پیش از حرکت مصریان و جمعیت اخوان المسلمین و رهبر آنان استاد حسن البناء و نیز از آن چه سید جمال در مصر کرده بود با عظمت فراوان یاد می کرد. در همین سفر او با یک دانشجوی مصری آشنا شد که در دانشگاه قاهره درس می خواند، نام وی یاسر عرفات بود؛ سید مجتبی به وی نهیب زد که شما دلیل ترین اقوام جهان هستید که کشورتان زیر چکمه بیگانگان باشد و شما در حال خواندن درس مهندسی و در طلب رسیدن به زندگی مرفه. برگردد و بجنگ و کشورت را آزاد کن یا بمیر... این دیدار، ریشه اصلی روی آروی به تشکیل ساف گردید. نک. سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه ها، مبارزات و شهادت او/ ۱۴۵-۱۴۲.

۵۶. زیر بنای صلح جهانی/ ۲۲۰.

۵۷. محمد حسنین هیکل از این موضوع در کتاب "Iran the untold story" یاد می کند. این کتاب در ایران با عنوان «ایران، روایتی که ناگفته ماند» به چاپ رسید. (ترجمه حمید احمدی، کوروش، تهران، ۱۳۶۳) فصل یازدهم این کتاب از ص ۲۲۵ تا ۲۴۰ در باره رستاخیز اسلام و وافی به بحث بالا و نیز نقش اساسی شیخ محمد عبده، شاگرد برجسته سید جمال در گذر

سده مذکور است. جدا از او، حتی برخی نویسندگانی که عقیده به اسلام و چه بسا آشنایی به روح و حقیقت آن ندارند، به این موضوع اشاره کرده اند، نمونه را نک. شلیان، ژرار، اسطوره های انقلابی جهان سوم/ ۱۸۸. در باره نقشی که نویسندگان اسلامگرا برای امثال طه حسین در مصر، قبل از پدیدار شدن آثار مورد اشاره فوق قائل اند، نک. قرآن پدیده ای شگفت آور/ ۲۳.

۵۸. سید جمال جمال حوزه ها/ ۱۷۶.

۵۹. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب/ ۱۹.

۶۰. نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر/ ۱۹.

۶۱. موثقی، سید احمد، سید جمال الدین اسدآبادی، مصلحی متفکر و سیاستمدار/ ۹۸.

۶۲. سید جمال جمال حوزه ها/ ۸۸.

۶۳. نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر/ ۱۹. این که چگونه اندیشه ها و رفتار یک مصلح مسلمان در نهایت تبدیل با منافع استعمار و دشمنان اسلام، خود نیازمند بررسی جداگانه است؛ دکتر شریعتی از نقش استعمار انگلیس در کشیدن حصار تدریجی پیرامون او و... سخن می گوید. در این باره نک. نامه ای به دفاع از علامه اقبال/ ۹-۱.

۶۴. آداب الصلوه/ ۲۱۱-۲۱۵.

۶۵. همان/ ۲۸۸ و ۲۱۵-۲۲۴.

۶۶. همان.

۶۷. همان.

۶۸. خمینی، (امام)، روح الله، وصیت نامه/ ۷.

۶۹. صحیفه امام، ۱۸/ ۳۳۸.

۷۰. صحیفه مبین، ش ۲۶، بهار ۱۳۸۰/ ۷.

۷۱. صحیفه امام، ۲/ ۲۳۵.

۷۲. قرارداد ۱۸۹۰ رژی، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران/ ۶۲.